نگاه

مروری بر کتاب «فن و هنر داستان‌نویسی»

برای نویسندگی باید شکارچی شوید

جواد لگزیان: اگر تصمیم دارید اولین داستان خود را به نگارش دربیاورید، با اتو کروزه، استاد روان‌شناسی و مهارت‌های نویسندگی در آلمان در کتاب «فن و هنر داستان‌نویسی یا چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم» همراه شوید. اتو کروزه با تمرین‌های ساده و کارآمد، مخاطب را آماده برای نوشتن اولین داستان می‌کند. کتاب در اولین فصل خلاصه‌ای اجمالی از رهیافت‌های مختلف داستان‌نویسی ارائه می‌کند. فصل دوم مقدمه‌ای درباره نظریه روایت است. مضامین اصلی این فصل در یازده بخش تشریح شده‌اند تا روشن کند برای فهم چیستی داستان‌نویسی، واکاوی و دانستن چه وجوهی لازم است. فصل سوم شروع کار نویسندگی است. پس از طرح مسئله‌ای کوتاه درباره مشکلات اولیه، موقعیتی مهیا می‌شود که خودتان متونی داستانی بنویسید. با این کار فرد استعداد داستان‌گویی طبیعی خود را می‌یابد. فصل چهارم درباره «خدمه راوی» یا شخصیت‌های داستانی نویسنده است. این فصل نشان می‌دهد که چگونه می‌توان شخصیت‌های داستانی را طراحی کرد و قابلیت‌های‌شان را آزمود. «خودتان شخصیت‌هایی را طراحی می‌کنید و درمی‌یابید که چگونه می‌توان به آنها جان بخشید». فصل پنجم، فن روایت را معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه شخصیت‌های طراحی‌شده در فصل چهارم در زمینه یک روایت قرار می‌گیرند. در قالب متون داستانی کوتاه نکاتی در این زمینه‌ها آموزش داده می‌شود: چگونه شخصیت‌ها به کنش واداشته می‌شوند و مونولوگ‌های درونی، توصیف‌ها و دیالوگ‌های‌شان شکل می‌گیرد. فصل ششم به ساختار داستان می‌پردازد، اینکه چگونه سنگ‌بنای روایت‌ها گذاشته می‌شود. درحالی‌که قبل از این فصل فقط عناصر منفرد داستانی مدنظر بوده‌اند، در این فصل عملا داستان به جریان می‌افتد و موقعیتی مهیا می‌شود تا اصول مختلف ترکیب‌بندی به آزمون گذاشته شود. در فصل هفتم با برخی از ابعاد هنری نویسندگی آشنا می‌شویم؛ مواردی مانند شکل‌دهی به فرایند نوشتن، یافتن مواد و مضامین داستانی مناسب و بازنویسی و پرداخت متون. در فصل آخر یعنی هشتم هم یک بار دیگر مبانی نویسندگی مرور می‌شوند و مضامین مهم مرتبط با بحث مطرح می‌شود.

از نگاه اتو کروزه، نوشتن روایت‌ها فقط یک کنش نیست، نوعی سبک زندگی است: نوشتن کیفیتی مراقبه‌گونه دارد. همه چیز متمرکز بر دست‌هایی است که درحین نوشتن حرکت می‌کنند. زبان کانونی یکپارچه می‌سازد که زندگی در آن تجلی می‌یابد. احساسات، تصاویر، ایده‌ها، تفکرات، صدا، حرکت و همه چیز به زبان منتقل شده و با یکدیگر ارتباط می‌یابند. اگر موفق شویم که این انتقال را با موفقیت انجام دهیم، در جریان نوشتن قرار داریم و احساس خلاقیت می‌کنیم. در این راستا کروزه خاطرنشان می‌کند: اگر می‌خواهید به صورت جدی نویسندگی را ادامه دهید، باید کلکسیونر و شکارچی شوید.

به عقیده کروزه در عصری که فیلم‌ها همه ماجراها را به‌تمامی شکار کرده‌اند، فقط جهان درون و زندگی شخصی تأمین‌کننده اصلی مواد داستانی است. و به این ترتیب او منابعی ارائه می‌کند که ممکن است بتوانید در آنها مواد داستانی مناسبی پیدا کنید. الف- زندگی روزمره: معمولا زندگی روزمره آن‌قدر باارزش تلقی نمی‌شود که نقطه عزیمت روایت‌های تخیلی قرار گیرد. ما دوست داریم روایت‌های‌مان جذاب باشند و روزمرگی آن‌قدر مستعمل و فرسوده است که ما از آن الهام نمی‌گیریم. اما قضیه عکس است. موضوع این نیست که ما درباره چه چیزی بنویسیم، بلکه مهم این است که چگونه و با چه دیدگاهی بنویسیم. ب- بهره‌گیری از دوران کودکی: کودکی منبع پایان‌ناپذیری است که از بطن آن مضامین، ایده‌ها و مواد داستانی نابی به دست می‌آید. اکنون دوباره مسئله بر سر این است که آدم کودکی‌اش را از چه منظری بنگرد. وقتی دوران کودکی‌تان را در پی مضامین می‌کاوید به اشتیاق‌ها، آرزومندی‌ها و یگانگی‌های بسیار کوچکی توجه کنید که از آنها دل نمی‌کندید... . ج- تاریخ خانوادگی: شما جد پدری‌ای نداشتید که همیشه داستان‌هایی عجیب‌وغریب تعریف می‌کرد؟ فاصله زیادی را در دریا شنا کرده باشد یا یکه‌وتنها به بیابان زده باشد؟ اینها هم مواد داستانی‌اند. این داستان‌ها را یادداشت کنید و ببینید از بطن‌شان چه چیزی به دست می‌آید. د- جمع‌آوری سرآغازها: بسیاری از نویسندگان از جمله‌های آغازین زبان روزنامه‌نگاری که «لید» خوانده می‌شود، الهام می‌گیرند. لید، پیش‌درآمدی است که راه ورود خوانندگان را به متن اصلی می‌گشاید. همین لید به نویسندگان کمک می‌کند که متنی خلق کنند. برای مثال چند لید را از دفترم بازگو می‌کنم: پدرم از خانواده‌های اشرافی مجارستان بود؛ حالا با دو بلیت تور مسافرت دریایی دونفره چه کنم؛ و یوهانس و یولیا هر دو به انتخاب‌های اشتباه‌شان معروف بودند، حالا با هم ازدواج کرده‌اند. این جمله‌های آغازین مانند دروازه‌هایی‌اند که در پس‌شان شهری پنهان است. اغلب خیلی زود مشخص می‌شود که در پس این دروازه‌ها چه جهانی نهفته است. ه- جمع‌آوری شخصیت‌های داستانی: آدم‌هایی که دوست داریم درباره‌شان بنویسیم، همه جا با ما مراوده دارند و خوب است تعدادی از آنها را ترسیم کنیم. مهم‌ترین نکته این کار توصیف دقیق است؛ چه چیز این شخصیت تغییرناپذیر است؟ چه چیزی در وجودش می‌درخشد؟ لباس، رفتار، زبان یا طرز راه‌رفتن. برای هر کدام از مشخصه‌هایش یک جمله بنویسید. و- نقطه عطف مهیج: نیازی نیست که برای داستان‌های‌تان جمله‌های آغازین جمع‌آوری کنید، نقاط عطف مهیج مهم‌ترند. در اخبار روزنامه‌ها به دنبال نقاط عطفی باشید که مناسب داستان باشند. شما در مقام نویسنده، برخلاف خبرنگاران آزادید که پیشامدها را دوباره سازماندهی کنید، آنها را به مکان دیگری ببرید و شخصیت‌های‌تان را در آنها بگنجانید. ز- تحقیق نظام‌مند: هرچه بخواهید هدف‌مندتر بنویسید، تحقیق مهم‌تر می‌شود. اگر بخواهید شخصیت داستانی عینک‌سازی خلق کنید، باید بدانید کار روزانه‌اش چیست، چه ابزارهایی به کار می‌برد و شغلش با چه مفاهیمی مرتبط است. از طریق جزئیات می‌توان عینک‌ساز را زنده کرد. مهم‌ترین ابزارهای تحقیقی عبارت‌اند از دایرةالمعارف‌ها، منابع تخصصی و اینترنت. ح- مصاحبه‌ها: بهترین راه آموختن از زندگی مردم، مصاحبه با آنهاست. اگر به مردم بگویید که به تجارب زندگی‌شان علاقه‌مندید، با کمال میل در مصاحبه شرکت می‌کنند... . ط- مکان‌ها: توصیف چشم‌اندازها، شهرها، ایستگاه‌ها و سایر جاها مستلزم این است که آنها را از «منظر خودمان» بشناسیم. اساسا وقتی روبه‌روی ابژه موضوع توصیف قرار داریم، توصیف آسان‌تر است تا اینکه بعدا به‌کمک حافظه آن را روی کاغذ بیاوریم.

و حرف آخر اتو کروزه اینکه اثر نوین ادبی الزاما حاصل مضامین جدید نیست، بلکه شیوه پرداخت مضامین و بازنمایی آنها نوآورانه است.

فن و هنر داستان‌نویسی
یا چگونه زندگی را در زبان بیان کنیم
اتو کروزه
ترجمه پیمان کی‌فرخی
نشر اختران

شکل‌های زندگی؛ چگونه راست پیشگویی می‌کند؟

افسانه پایان سیاست

نادر شهریوری (صدقی)

«تکرار» ازجمله اصطلاحاتی است که گویی نفس تکرارش وجدان‌هایی را آسوده می‌سازد، مانند «تکرار» ایدئولوژی یا تنش یا تکرار پایان تاریخ و مواردی مشابه که در دهه‌های اخیر ازجمله بحث‌انگیزترین مباحث علوم سیاسی به‌ویژه بعد از سقوط شوروی (۱۹۹۱) و پایان جنگ سرد بوده و کماکان نیز هست. فوکویاما، ایده‌پرداز «پایان تاریخ»، بر این باور بود که بعد از جنگ سرد دیگر هیچ رقیب جدی‌ای برای «اتوپیایی‌ترین» شکل حکومت که از نظرش «اقتصاد بازار آزاد» است، وجود نخواهد داشت و گویا جهان با چنین دستاوردی «نهایی‌ترین شکل حکومت انسانی» را تجربه می‌کند.

«روایت‌های کلان» چنان‌که پست‌مدرن‌ها می‌گویند تنها اختصاص به دوره اخیر ندارد، بلکه بسیاری از ایده‌های تحقق‌یافته از انواع روایت‌های کلان شکل گرفته است. تا قبل از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) روایت کلان اندیشمندان و ایده‌پردازان بر این مبنا استوار بود که همه چیز خردمندانه در حال پیشرفت است و هیچ ابهامی با وجود کشفیات و اختراعات چیزهای نو وجود نخواهد داشت. با انقلاب فرانسه جهان مسیر دیگری را آغاز کرده و روایت کلان روشنگری حتی برای مدتی کوتاه به محاق می‌رود. گسترش آرمان‌های افقی یا همان برابری انسان‌ها ازجمله نتایج انقلاب فرانسه بود و در اصل شکل تازه‌ای از مناسبات به وجود آمد که تا قبل از آن سابقه نداشت. به‌تدریج انقلاب فرانسه به‌مثابه یک «سرفصل» خود به روایتی کلان بدل شد. ژان ماری گنو، از تحلیلگران معاصر، بر این باور است که روایت کلان انقلاب فرانسه تا مقطع ۱۹۸۹ ادامه یافت. او سال ۱۹۸۹ را نقطه پایان عصری می‌داند که با انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ میلادی نهادینه شده بود. علاوه بر این، او پایان تنش یا چنان‌که می‌گوید، پایان ایدئولوژی را پایان روایت «دولت-ملت»ها نیز تلقی می‌کند؛ به این معنا که ازجمله نتایج انقلاب فرانسه تحقق علمی ایده دولت-ملت بود که براساس آن دولت‌های برآمده از نهادهای ملی خود به ابزاری مهم در سیاست بین‌الملل برای تأثیرگذاری بر سایر کشورها بدل می‌شوند و حال که از نظرش به پایان روایت انقلاب فرانسه رسیده‌ایم، تداوم پروسه دولت-ملت نیز منتفی می‌شود. بسیاری ازجمله گنو، دو کلان‌روایت سیاسی را به موازات هم پیش می‌برند: کلان‌روایت دولت-ملت و کلان‌روایت امپراتوری. روایت «دولت-ملت» را می‌توان شکل عملی و استمرار معاهده وستفالیا تلقی کرد. معادله وستفالیا در قرن هفدهم میلادی براساس یک معاهده صلح میان دولت‌ها یا در واقع میان دربارهای هر کشور و نه مردم در اروپا شکل گرفت که برطبق آن جهان شامل ملت-دولت‌هایی است که بازیگران اصلی روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند که در محیطی تنش‌آلود درصدد پیشبرد اهداف خویش‌اند. این معاهده اگرچه در زمانه خود گامی به سمت جلو بود و گاه مانع از تجاوزات آشکار کشورهای متجاوز می‌شد، اما در همه حال نمی‌توانست چندان مانعی جدی برای سیاستی شود که با تنش و جنگ توأم است.

از این نظر گنو و همفکرانش که در جست‌وجوی جهان بدون تنش بودند، تداوم مدل وستفالیا یا به تعبیر دیگر تحقق پروسه دولت-ملت را دور از انتظار می‌دانستند. آنها با نوعی خوش‌بینی بر این باور بودند که این روند با تحولات بین‌المللی و روند جهانی‌شدن تعارض دارد. گنو دراین‌باره می‌گوید: «... این اشتباه بزرگی خواهد بود که عنصر دولت-ملت‌ها را چونان غایتی در خود تصور کنیم، زیرا این سازمان سیاسی -دولت‌ها- فقط مرحله‌ای از تاریخ بشری است و با تغییر شرایط مناسب برای زایش و شکوفایی دولت-ملت‌ها، اوضاع سریعا دگرگون می‌شود و به همین دلیل باید قواعد عصر جدید را فهمید البته نه به خاطر مبارزه با آن، که این کار، بیهوده است».[1] گنو برای عبور از روایت کلان دولت-ملت ایده دیگری را ارائه می‌دهد و آن را روایتی دوران‌ساز قلمداد می‌کند؛ زیرا بر این باور است که «با از دست رفتن باورهای رایج در عصر دولت-ملت‌ها دستورالعملی برای محدودکردن فضای همبستگی انسان‌ها باقی نمی‌ماند و در نتیجه دیگر هیچ بداهت تاریخی، اجتماعی یا سرزمینی وجود نخواهد داشت».[2] بدین‌سان او در پی نفی روایت دولت-ملت‌ها، روایت کلان دیگری ارائه می‌دهد و آن را ظهور عصر امپریال یا امپراتوری نام می‌دهد. به نظر گنو عصر امپراتوری یا به تعبیری نه‌چندان دقیق، عصر «جهانی‌شدن» آغاز دورانی است که در آن شهروندان خود را تابع امپراتوری جهانی می‌دانند و این نوع جامعه انسانی به قدری پیشرفت می‌کند که دیگر نمی‌تواند بدنه سیاسی مشخصی از خود ارائه دهد. آنگاه گنو در مقام پیشگو، آینده‌ای را پیشگویی می‌کند که فاقد مرکز و یکپارچه است و هر شهروند خود را بخشی از امپراتوری جهانی می‌داند. در اینجا گنو از ورود به جزئیات پرهیز می‌کند؛ زیرا در ذهن رؤیاپرداز خویش تمایزی میان شهروندان شمال و شهروندان جنوب این امپراتوری عظیم قائل نمی‌شود. افسانه‌پردازی گنو البته ادامه پیدا می‌کند؛ او مانند اتوپیست‌ها وعده می‌دهد که در عصر امپریال قدرت به طرز ایدئال‌تری مهار خواهد شد و فرایند تمرکز قدرت در دست دولت‌های قدرتمند کاهش می‌یابد و جهان به‌گونه‌ای می‌شود که می‌بایست آن را فی‌الواقع به فال نیک گرفت.

گنو سپس چنان مکاشفه‌اش را بسط می‌دهد که در پی تحقق این «امپراتوری» عظیم گونه‌ای دیگر از «پایان» و این بار «پایان سیاست» را اعلام می‌کند. او مانند همفکر خویش فوکویاما، پایان عصر دولت-ملت‌ها (۱۹۸۹) را متضمن پایان سیاست قلمداد می‌کند و متأثر از «اقتصاد بازار آزاد» می‌کوشد سیاست را به فعالیت اقتصادی و بازار آزاد فروبکاهد تا آن را از جوهره خود خارج کند. در این صورت «سیاست بدون جوهر» یا در حقیقت «سیاست بدون محتوا» به نوعی شرکت عظیم تجاری بدل می‌شود که این بار نه به کنشگران سیاسی یا ایده‌گرایان سیاسی، بلکه به خیل عظیمی از کارشناسان خبره و متخصص نیاز دارد تا بتواند آن شرکت یا درواقع امپراتوری را به سوددهی بیشتری برساند؛ سودی که منافع آن این بار نه به صورت افقی بلکه به صورت سلسله‌مراتب توزیع می‌شود تا آنان که در رأس شرکت قرار دارند بیشتر بهره‌مند شوند.

ایده گنو درباره پایان سیاست شباهتی ماهوی به ایده فوکویاما درباره «پایان تاریخ» دارد. این هر دو نقطه عزیمت خود را درباره تکرار پایان از مقطع ۱۹۸۹ در نظر گرفته‌اند. نظریه مشهور فوکویاما که پس از جنگ سرد منتشر شد، یکی از مشهورین ایده‌های سیاسی پس از ۱۹۸۹ است. این ایده اگرچه در ابتدا با استقبال همراه بود اما به‌تدریج در پی اتفاقات سیاسی و اجتماعی اهمیت اولیه را از دست داد، چراکه بحران‌های پیاپی چه در کشورهای غربی و شرقی از قبیل بحران‌های مالی و اقتصادی و جنگ‌های خاورمیانه بر آن ذوق‌زدگی اولیه فائق آمد. از طرف دیگر، ظهور قدرت‌هایی مانند چین که لزوما به آن نوع سیاستی که گنو و فوکویاما و دیگران وعده می‌دهند، منتهی نمی‌شود و در هر حال شکل تازه‌ای از دولت قدرتمند را به نمایش می‌گذارد که با پایان «دولت-ملت» که جناحی از راست‌گرایان لیبرال‌مشرب و محافظه‌کار ارائه می‌دهند، مغایرت دارد.

به این ترتیب وقوع یک اتفاق مانند پایان جنگ سرد یا سقوط دولت شوروی لزوما به معنای پایان سیاست یا پایان تاریخ نخواهد بود. تنها درکی «ایدئولوژیک» می‌تواند با چنین خوش‌بینی ساده‌انگارانه سیر تحولات جهان آینده را پیشگویی کند. این نوع تکرار که تکرارش وجدان‌هایی را حتی به‌طور موقت آسوده می‌سازد، درعین‌حال نوعی دفاع فلسفی از نظم موجود است؛ نظمی که با وجود دفاع از تکثرگرایی، می‌کوشد تنها یک مدل خاص تاریخی ارائه دهد و همان مدل را پایان تاریخ یا حتی سیاست تلقی کند. واقعیت آن است که سیاست همواره به چیزی فراتر از خود و در اینجا به چیزی فراتر از دولت-ملت ارجاع دارد و به همین دلیل مرگ سیاست، اگر که مرگی وجود داشته باشد، به زندگی و مرگ دولت-ملت‌ها یا امپراتوری‌ها وابسته نخواهد بود. سیاست همواره از امکاناتی پیش‌بینی‌ناپذیر برخوردار است که توأم با نوعی تنش است؛ تنشی که آغاز دارد اما انجام ندارد.

۱، ۲. «پایان دموکراسی»، ژان ماری گنو، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر

نگاهی به رمان «مردن آسان‌تر از دوست داشتن است» نوشته احمد آلتان

آن سوی تاریکی موسوم به آینده

شیما شرافتی: «حافظه آدم‌ها برای محافظت از صاحبانشان به آنها یادآور می‌شود که قصد یادآوری ندارد». چه‌بسا انگیزه اصلی عثمان، تنها شخصیت به‌ظاهر حاضر در رمان «مردن آسان‌تر از دوست‌داشتن است» از به گفت‌وگو نشستن با مردگانی پراکنده از خانواده‌ای وسیع در سراسر یک قرن، شکستن این طلسم یا رمزگشایی‌اش باشد. احمد آلتان، نویسنده ترک‌زبان، در این اثرش، مخاطب را پای مکالمه یک امپراتوری با مردمانش قرار می‌دهد. عثمانِ این رمان، نه یک فرد منزوی، که حاکمیتی ازدست‌رفته است. گویی امپراتوری عثمانی، پس از سقوط، در همنشینی با مردمان خود، می‌خواهد از این سیر زوال پرده بردارد. از همین رو رمان را شخصیت‌های متکثر پیش می‌برند. پای عشق‌های سالخورده یا تازه‌پاگرفته، عشق‌های آمیخته به ترس، پیچیدگی، انتقام، امتناع به روایت باز می‌شود. ارتباط‌های درونی و تنگاتنگ آنها، برخی با هم غریبه و برخی آشنا، سلسله‌رخدادهایی را رقم می‌زند که فرجام آنها البته از پیش برای عثمان مشخص است. اما اگر عثمان در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده که نتیجه پیشاپیش رقم خورده و برای او روشن است، کنجکاوی‌اش از کجا مایه می‌گیرد؟ شاید از آنجا که او تنها به اعمال بیرونی راویانش اشراف دارد. آنچه مترصد آن است، دسترسی به ذهن آنها، اهداف درونی، انگیزه‌های آنی، حس‌های گذرا یا ماندگارشان است. پس اگر پیش از سقوط، عرصه امپراتوری بر زندگی مردم چیره بوده است، حالا و از این پس، نوبت به امپراتوری عثمانی ازدست‌رفته رسیده تا پای حکایت زندگی مردمان خود بنشیند. آنها که به گفته او «گذشته را گاهی با دروغ، گاهی با تحریف، گاهی با اشتباه، گاهی با تاریخی گم‌شده، گاهی با منقلب‌شدن از اعتراف‌هایی که از دل برمی‌آمد، دوباره در اینجا خلق می‌کنند».

کوشک چوبینی که عثمان در آن عزلت گرفته، یادآور تابوت مرگ است. او «از یک شکافِ سر بازکرده در دلِ زمان به گذشته لغزیده، بعد آن شکاف بسته شده و او در گذشته مانده» است. در این تابوت، تصاویر متعدد و متراکم عشق‌ها، رنج‌ها، کودتاها، جنایت‌ها و جنگ‌ها از پی هم می‌گذرند. شگرد احمد آلتان، در لحاظ‌کردن شخصیت عثمان، این فرصت را فراهم کرده تا «زمانه» باشد که افراد را می‌شنود. اما این شنونده با پرسش‌های خود گاهی آنها را به شک نیز بیندازد، حتی سبب شود از مواضع خود کوتاه بیایند. اگر قرار بود روایت صرفا با زاویه دید دانای کل روایت شود، امکان مداخله‌ای این‌چنینی وجود نمی‌داشت. خصوصا که عثمان با مردگان به گفت‌وگو نشسته است، و این به آن معناست که آنها می‌توانند حس اکنون خود را نسبت به گذشته پس از سال‌ها، در زمان حال روایت کنند. این شکل از روایت، انحطاط را ملموس‌تر و وجه فانی و گذرای آن را باقی و ماندگار می‌کند.

دیه‌گو گاروچو، در جستاری با عنوان «نفرین خاطره»، این رویکرد را پیش می‌کشد که خواندن آنچه از سر گذشته است، بیش از آنکه روزگار سپری‌شده را نشان دهد، از دوران فعلی زندگی‌مان می‌گوید. «گویی شنیدن و تفسیر صداهایی که از گذشته‌های دور می‌آیند، ما را به دیدن چشم‌اندازی در دوردست، چیزی شبیه گستره زمین یا قایقی در افق مجازی دستگاه‌های بینایی‌سنجی، فرامی‌خواند. بدون نقطه تلاقی، نقطه‌ای دوردست در افق که همه خطوط در آن به هم می‌رسند، چشم‌اندازی در کار نیست. به کمک این نقطه است که ما جایگاه خود را مشخص می‌کنیم و در قاب می‌نشانیم». و عثمانِ «مردن آسان‌تر از دوست‌داشتن است» صداهای گذشتگانش را فرامی‌خواند تا از تلاقیِ خطوط روایی منفرد هر یک از آنها در نقطه گریز خط افق، آشفتگی خود را در قابی قوام‌یافته جا دهد و به گذشته تکه‌پاره‌اش سامان بخشد. احمد آلتان، این رمان را در حدود یک قرن بعد از زمانی که روایت داستان رقم می‌خورد (۱۹۱۲-۱۹۱۳)، طی سال‌هایی نوشته که به جرم سیاسی در زندان به سر می‌برده است. اگر شخصیت‌های رمان میان صداهایی که می‌آمده، سکوت خودشان را هم می‌شنیده‌اند، نویسنده تصمیم گرفته سکوت نکند و آنچه را بر یک خطه و مردم آن گذشته و تکرار می‌شود مکتوب کند. این اثر که سابقه تاریخی سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی و جنگ‌های بالکان در آن پررنگ است، سومین کتاب از مجموعه «چهارگانه عثمانی» اوست. اولین کتاب این مجموعه نیز با عنوان «عشق روزهای بلوا» به فارسی ترجمه شده است.

مردن آسان‌تر از دوست‌داشتن است
احمد آلتان
ترجمه علیرضا سیف‌الدینی
نشر نو

فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای
حفاری و خاکبرداری و حمل خاک، حفاری و اجرای فونداسیون سوله و نصب سوله
انبارنهاده های دامی شمیران واقع در میدان زرد بند

مدیریت امور عشایر استان تهران در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله ای حفاری و خاکبرداری و حمل خاک، حفاری و اجرای فونداسیون سوله و نصب سوله انبارنهاده های دامی شمیران واقع در میدان زرد بند به شماره ۲۰۰۵۰۰۳۰۴۲۰۰۰۰۰۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۱/۳۸۰/۹۹۶/۵۰۰ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه :
شرکت مشاور آبسان پارس ۰۹۱۲۳۸۶۳۳۸۳
تهران، خیابان طالقانی، خیابان شهید برادران مظفر شمالی، نبش بن بست کیا، مدیریت امور عشایر استان تهران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده(نوبت دوم) - تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۵/۲۴
شرکت تعاونی مسکن کارکنان توسعه همگامان اندیشه مسکن ایرانیان(در حال تصفیه) به شماره ثبت ۳۳۹۹۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۶۲۹۳۱

نظر به اینکه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ شرکت تعاونی مسکن کارکنان توسعه همگامان اندیشه مسکن ایرانیان(در حال تصفیه) به دلیل عدم حصول حد نصاب قانونی تشکیل نگردید، بدینوسیله از کلیه اعضا و صاحبان سهام در این تعاونی و یا نمایندگان و وکلای قانونی آنها دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده(نوبت دوم) که در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۹ رأس ساعت ۱۰ در محل: باشگاه همکارا(شعبه کارگر)، خیابان جمهوری، تقاطع خیابان کارگر جنوبی، موسسه رشد و شکوفایی جوان، طبقه همکف برگزار می گردد، با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و اصل دفترچه و معرفی نامه رسمی حضور به هم رسانند. ضمنا به اطلاع می رساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی، تعداد آرای وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و هر شخص غیر عضو (صاحبان سهام) تنها یک رأی می باشد. اعضا و صاحبان سهامی که نمی توانند در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده(نوبت دوم) حاضر شوند، می توانند به همراه وکیل یا نماینده تام الاختیار خود با در دست داشتن کارت شناسایی و مدارک معتبر(اصل دفترچه عضویت و یا سهامداری) تا یک روز قبل از برگزاری مجمع در محل شرکت به نشانی جنت آباد مرکزی، قبل از ایرانپارس، پلاک ۲۶۷ (ساختمان سینا)، طبقه ۴، واحد ۴ از ساعت ۱۰ الی ۱۴ حاضر و فرم وکالتنامه را تکمیل نمایند تا پس از احراز هویت طرفین، برگه نمایندگی مربوطه توسط مقام دعوت کننده طی یک روز برای نماینده صادر گردد. مصوبات مجمع مذکور در صورت رسمیت یافتن برای کلیه اعضا و صاحبان سهام این شرکت تعاونی اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:
۱) انتخاب اعضای هیأت تصفیه ۲) انتخاب ناظرین ۳) تعیین روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی البدل جهت درج آگهی های شرکت ۴) قرائت گزارش عملکرد هیأت تصفیه و تنفیذ اقدامات ایشان طی سنوات ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵ ۵) تعیین حقوق، مزایا و پاداش هیأت تصفیه و تصمیم‌گیری در خصوص معوقات ایشان مربوط به سنوات ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵ ۶) تفویض اختیار به هیأت تصفیه جهت انجام معاملات، انعقاد قراردادها و تنفیذ اقدامات صورت گرفته توسط ایشان در این خصوص طی سنوات ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۵ ۷) تصمیم‌گیری در خصوص پلاک‌های ثبتی تعاونی و انتخاب وکیل جهت پیگیری امور حقوقی

هیأت تصفیه شرکت تعاونی مسکن کارکنان توسعه همگامان اندیشه مسکن ایرانیان(در حال تصفیه)

برگ سبز پژو ۴۰۵ خاکستری مدل ۱۳۹۴
به شماره پلاک ۶۸ایران ۲۵۷م۱۸
شماره شاسی NAAM۰۱CE۳FK۵۱۰۴۵۸
و شماره موتور۱۲۴K۰۷۱۷۳۸۸
به نام مهسا برزگر با کد ملی ۰۸۲۰۴۸۱۵۹۹
در ۱۴۰۴/۹/۲۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.